

قرآن و راهکارهای مبارزه با مفاسد اخلاقی :

سید جواد حسینی

تهاجم از ریشه هجم است که به معنای یورش بردن ناگهانی، وارد شدن بدون دستور و اجازه، و خراب شدن و ... آمده، در نتیجه تهاجم یعنی یورش بردن ناگهانی و بدون اطلاع قبلی که قطعاً تخریب و ویرانی را دربردارد^۱. اما فرهنگ یک کلمه فارسی است که معادل آن در عربی «الثقافه» می باشد، و برای فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف آورده‌اند^۲.

می توان گفت «مجموعه آداب و رسوم و علوم و معارف یک قوم» را فرهنگ آن قوم می نامند^۳.

در نتیجه تهاجم فرهنگی، یعنی هجوم مجموعه آداب رسوم غربیان به جوامع اسلامی، و روشن است که این مسئله باب وسیعی دارد آنچه پیش رو دارید، بخشی از مسئله فوق است، و آن نقش ولنگاری اخلاقی و فساد در تهاجم فرهنگی است، و این که فساد برنده ترین اسلحه تهاجم فرهنگی بحساب می آید

ابعاد و آثار ویرانگر فساد

بدون شک ابعاد مختلف و اثرات ویرانگر فاجعه فساد، برهنگی و بی بند و باری برکسی پوشیده نیست و اثرات دهشتزای آن تنها مربوط به جامعه ما یا جوامع اسلامی نمی شود بلکه دنیا در آتش آن می سوزد و فریاد همگان از گسترش روزافزون آن بلند است، برخی از آثار بشر سوز آن از این قرار است.

۱- تزلزل خانواده: براساس گزارش منتشره از سوی سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۸۸ میلادی در کشورهای صنعتی جهان ۷۵٪ ازدواج ها به طلاق منجر شده است منظور از کشورهای صنعتی آمریکا، کانادا، استرالیا، ژاپن، نیوزلند، آلمان، فرانسه، هلند و انگلستان می باشد^۴. و در شرق متلاشی شده هم از هر دو مورد ازدواج یکی به طلاق منجر شده است^۵.

۲- جنایات جنسی: در کشور آلمان در هر ساعت بیست مورد تجاوز به عنف، فقط در رابطه با محارم صورت می گیرد. ۶ و آمار ۴۵ بیمارستان در بانکوک نشان می دهد که در هر ساعت چهار زن به علت جراحات ناشی از تجاوز به عنف به بیمارستان آورده می شوند^۷.

۲۷۷۴

۳- گسترش فحشا و روسپیگری: «در آمریکا بسیاری از دختران پیش از ازدواج اغلب با یک یا چند معشوقه عمل

جنسی را انجام می دهند.»^۸ بردگی در عصر جدید تجارت دختران است.^۹

۴- آدم کشی و سقط جنین: در روسیه طی سال ۱۹۹۲ در مقابل هر نوزاد بیش از دو مورد سقط جنین انجام شده

است و به همین ترتیب در کشورهای دیگر^{۱۰}.

۵- قربانیان بی گناه (یا کودکان نامشروع): در آلمان ۱۰٪ متولدین کل آلمان، در لندن ۳۰٪ و در آمریکا ۲۵٪ اولاد

نامشروعند و در کشور سوئد که هفت میلیون جمعیت دارد، سالانه ۲۷۰۰۰ کودک نامشروع به دنیا می آید^{۱۱} و

متأسفانه آثار سوء این گونه افراد در جامعه قابل کنترل نیست. به این تحقیق توجه شود.

«در سال ۱۷۲۰ در سواحل آمریکا مردی در خانواده فاسد و بی بند و بار متولد شد و تمامی عمر خود را به

رذالت و میخوارگی سپری کرده و از راه دزدی زندگی خود را تأمین می نمود. از این مرد پنج دختر باقی ماندند که

همه همانند پدر ناسالم بودند، در نسل پنجم افراد این خانواده به ۱۲۰۰ نفر رسیدند که طبق آمار گرفته شده زنان این

خانواده همگی اهل فحشاء بوده و ۴۴۰ تن آنان به سفلیس مبتلا شدند و ۱۳۰ نفر از مردها دزدهایی جنایت پیشه و

ماهر شدند، از این خانواده هفت نفر آدمکش حرفه ای و سیصد نفر دیگر که همگی دارای مشاغل ممنوعه بودند به

جامعه تحویل داده شده و در طی مدت هفتاد سال ۱/۷۰۰/۰۰۰ دلار زیان مالی توسط این خانواده به دولت آمریکا

وارد شده بود.»^{۱۲}

و همین طور بی بندوباری باعث آثار زیانبار فرهنگی همچون از خودبیگانگی و بیگانگی باوری، فساد اخلاقی،

قربانی شدن زنان، تخریب عقاید و... شده، و آثار و عوارض زیانبار جسمانی همچون، سوزاک، سفلیس، ضعف

اعصاب و عقده روانی، خودارضائی، عوارض مواد آرایشی، سرد مزاجی، «ایدز» یعنی بلای قرن را به دنبال داشته

است.

البته زیان های اقتصادی آن نیز کمتر از عرصه های دیگر نبوده است، مصرف زدگی، مدپرستی، رکود فعالیت ها،

سقوط تمدن ها و... از عوارض مهم بی بند و باری و فساد به حساب می آیند.

اکنون بحث این است که دشمنان اسلام و تشیع تلاش دارند فساد و بی بند و باری را با همان زیان های بشرسوز

۲۷۷۴

آن، تحت عنوان تهاجم فرهنگی، با شتاب بیشتر وارد جامعه های اسلامی، مخصوصاً جامعه ایران نمایند، به عنوان نمونه به این دو گزارش توجه شود:

۱- به گفته یک مقام آگاه در حال حاضر ۹۷ ماهواره متعلق به ۱۵ کشور جهان برای مردم ایران برنامه های تلویزیونی پخش می کنند که برخی از این ماهواره ها بیش از ۲۰۰ کانال تلویزیونی را به صورت دیجیتال پخش می کنند. این منبع آگاه افزود از این تعداد ۶۰۰ شبکه تلویزیونی در سازمان صدا و سیما و برخی نهادهای نظامی، فرهنگی و اطلاعاتی، مونیتور می شود، بنابراین گزارش از این تعداد شبکه، ۱۱ شبکه آن به زبان فارسی است و اکثر آنها علیه نظام اسلامی ایران و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی برنامه پخش می کنند. ۱۳

۲- صهیونیست معروف «نتانياهو» گفت: «برنامه های ماهواره، به مثابه یک نیروی شورشی بسیار مؤثری عمل می کنند؛ بچه های ایرانی مسلماً لباس های زیبایی را خواهند خواست که در شوهای تلویزیونی می بینند. آنها استخرهای شنا و شیوه زندگی فانتزی خواهند خواست.» ۱۴ و همچنین «۱/۶ تریلیون بیت، تبادل روزانه اطلاعات در دنیای اینترنت است» و طی یک سال گذشته سایت های فاسد و خشونت آمیز ۷۰٪ افزایش یافته است. ۱۵

قابل انکار نیست که آثار سوء این تبلیغات گریبان جامعه ما، مخصوصاً برخی جوانان را نیز گرفته است، حال باید پرسید کدامین مکتب، و با ارایه چه طرح و برنامه ای شعله های سوزان این فاجعه را مهار می کند؟ نفس کدامین ابراهیم این جهنم سوزان را می تواند به گلستان تبدیل کند؟

آنچه در این مقال می توان گفت این است که تنها مکتبی که می تواند واقعاً بشریت را از منجلا ب فساد رهایی بخشد مکتب قرآن است.

قرآن طرح و برنامه خود را در این زمینه در دو بخش ارائه می دهد (۱۶- الف) پیشگیری و جلوگیری از فساد و هجمه های فرهنگی، ب) برداشتن و از بین بردن فساد موجود و هجوم هایی که انجام گرفته است.

الف- پیشگیری از فساد و تهاجم فرهنگی

پزشکان برای حفظ جان انسان ها و سلامت جامعه، پیشگیری را مقدم بر درمان و عمل می دانند در دردها و امراض اجتماعی و فساد فرهنگی نیز جلوگیری و پیشگیری مهمتر از درمان و رفع فساد است. به همین جهت قرآن

۲۷۷۵

نیز برنامه هایی برای پیشگیری دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود.

کنترل فکر و اندیشه

زیرساز و زیربنای هر عملی فکر و اندیشه و خیال پردازی آن عمل است، گناه و فساد نیز از این قانون استثنا نیست به همین جهت قرآن تلاش دارد با تقویت باورهای دینی از فکر گناه و دوست داشتن اشاعه فساد و بی بندوباری جلوگیری نماید، آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

«قل ان تخفوا ما فی صدورکم او تبدوه یعلمه الله و یعلم ما فی السموات و ما فی الارض والله علی کل شیء قدیر؛ ۱۷ بگو: اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند، و (نیز) از آنچه در آسمان ها و زمین است آگاه می باشد، و خداوند بر هر چیز تواناست.»

آگاهی از فکر و اندیشه بشر در اختیار هیچ مأمور و سازمان اطلاعاتی نیست، ولی خداوند متعال از تمام افکار و اندیشه های انسان آگاهی دارد. این باور اگر در جامعه تقویت شود در پنهان ترین مکان ها، و دوردست ترین جاها انسان را حتی از فکر گناه باز می دارد.

گاه قرآن به صورت استفهامی و سؤالی که بیشتر در ذهن ها جا می گیرد این حقیقت را بیان می دارد «اولیس الله بأعلم بما فی صدورالعلمین؛ ۱۸ آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است آگاه تر نیست.»

«ان الله علم غیب السموت و الارض انه علیم بذات الصدور؛ ۱۹ خداوند از غیب (پنهان) آسمان ها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دلهاست می داند.»

امامان معصوم (ع) به عنوان مفسران اصلی قرآن برای پیشگیری از گناه و فساد بر تقویت و تحکیم باورها و اندیشه ها تأکید می کردند. فردی خدمت حضرت امام حسن (ع) (یا امام حسین (ع)) شرفیاب شد و گفت: من مرد گناه کاری هستم و نمی توانم گناه را ترک کنم. مرا پند دهید. حضرت فرمود: «پنج کار را انجام بده، آن گناه هرچه می خواهی گناه کن. از روزی خدا نخور و هرچه می خواهی گناه کن. از ولایت و حکومت خدا بیرون برو و هر چه می خواهی گناه کن. جایی را پیدا کن که خداوند تو را نبیند و هرچه می خواهی گناه کن. هنگامی که ملک الموت نزد تو می آید تا تو را قبض روح کند او را از خود دور کن. هنگامی که مالک [دوزخ] تو را به درون آتش

وارد می کند، در آتش نرو و هرچه می خواهی گناه کن» ۲۰

این روایت کاملاً اندیشه سازی می کند که باور کنیم این جهان محضر خداوند است و جهان را پایانی بنام قیامت و در آن بهشت و جهنمی است. آن هم بعد از حسابرسی دقیق به تمام اعمال حتی ذره ها.

ممکن است افرادی باشند که اهل گناه نباشند ولی به این مقدار که گناه و بی بندوباری در بین مردم و جامعه شایع گردد رضایت داشته باشند و شیوع گناه را دوست بدارند، قرآن چنین اندیشه ای را سخت مورد ملامت و سرزنش قرار داده است آنجا که فرمود: «ان الذین یحبون ان تشیع الفحشه فی الذین ءامنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والأخره والله یعلم و انتم لا تعلمون؛ ۲۱ کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می داند و شما نمی دانید.»

تهدید به عذاب دنیا و آخرت در این آیه به خاطر یک میل انحرافی است که شخص دوست می دارد زشتی ها و فساد در جامعه اسلامی شیوع یابد، بنابراین کسانی که برای حفظ آراء و ماندن بر کرسی قدرت از ترویج زشتی ها نیز ابایی ندارند، عذاب دردناک تری در انتظارشان خواهد بود.

کنترل چشم و گوش

فکر و اندیشه انسان از حس او تأثیر می پذیرد. برای سلامت فکر و روان باید مجاری و راههای تغذیه آن دو را تطهیر نمود و چشم و گوش از مهم ترین مجاری و راههایی است که باید تحت کنترل قرار گیرد.

قرآن انسان را در برابر تمامی اعضای خود مسئول می شمارد و سخت به او هشدار می دهد، که در برابر کارکرد هر یک از آنها باید جوابگو باشد، قرآن کریم در این باره می فرماید: «ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً؛ ۲۲ از آنچه به آن آگاهی نداری پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.»

و بشارت قرآن متوجه کسانی است که با گوش بهترین ها را انتخاب و پیروی می کنند و از سخنان فسادآور و

گناه آلود پرهیز می نمایند. ۲۳

قرآن درباره چشم تأکید جداگانه دارد چرا که استفاده نامطلوب از آن، در جهت دامن زدن به آتش شهوت و

۲۷۷۷ ه

تهییج نابجا و خطرناک غریزه جنسی، سخت خطرساز و خطرآفرین است لذا قرآن می فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم ذلك أزکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یدین زینتهن الا ما ظهر منها؛ ۲۴ ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو چشمهایشان را از نگاه به نامحرم بپوشانند و دامان خویش را حفظ نمایند، که این موجب پاکی بیشتر آنان است؛ و خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است و به زنان باایمان بگو چشم های خود را [از نگاه هوس آلود] فروبندند و دامنهایشان را حفظ کنند و زینت هایشان را ظاهر نکنند مگر آنچه که ظاهر است.»

نکاتی در آیه قابل دقت است: ۱- خطاب مستقیم به زن ها و مردان مؤمن نیست بلکه خطاب به شخص پیامبر است تا خوب مسئله را تبیین کنند. ۲- با اینکه مسئله حرمت نگاه مشترک بین مردان و زنان است برای تأکید بیشتر دو خطاب جداگانه آمده، یک بار خطاب به مردان و بار دیگر روی سخن با زنان است.

۳- خطاب اول به مردان است شاید رازش این باشد که تأثیرپذیری مردان از نگاه بسیار بیشتر از زنان است و پاکی چشم مردان باعث کنترل آرایش ها و عشوه گری های زنان که برای جلب نگاه مردان است، می شود.

۴- آخرین نکته این است که فلسفه این دستور پاکیزه شدن روح و روان انسان هاست «أزکی لهم»

در منابع روایی از نگاه به نامحرم، تعبیر به زنای چشم، تیر مسموم شیطان، و.. شده است. از امام هفتم درباره این آیه «یا ابت استأجره...» سخن دختر شعیب که گفت: ای پدر! موسی را اجیر کن که بهترین اجیر، انسان قدرتمند و امینی است» فرمود: «حضرت شعیب به دخترش گفت: دخترم! قدرت موسی را از بلند کردن سنگ بزرگ دریافتی، اما امانت وی را چگونه شناختی؟ دختر جواب داد: هنگامی که به طرف خانه می آمدیم در آغاز من جلوی او راه می رفتم، ولی او از من خواست که پشت سرش راه بروم و گفت: هرگاه من راه را اشتباه رفتم به من تذکر بده؛ چراکه ما مردمی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی کنیم» ۲۵

جزئیات احکام نگاه در کتب فقهی به تفصیل آمده لذا از بیان آن پرهیز می کنیم و فقط به ذکر حدیثی بسنده می کنیم. علی (ع) فرمود: «نعم صارف الشهوات غض الابصار؛ ۲۶ چشم پوشی از نگاه به نامحرم عامل خوبی برای بازدارندگی از شهوات است.»

۲۷۷۸

کنترل ارتباط و سخن

قرآن برای پاس داری از حریم پاکی و جلوگیری از انحرافات، رعایت ضوابطی را در روابط مرد و زن ضروری دانسته و آزادی مطلق و بدون قید و دوستی‌ها و عشق‌بازی‌های مصطلح امروزی را ناپسند و مردود شمرده است^{۲۷} و همین‌طور ارتباط نامه‌ای و تلفنی نامناسب را روا نمی‌داند. اسلام صحبت کردن زن و مرد را در موارد ضروری و در جریان رسیدگی به کارهای روزمره زندگی اجازه داده، اما برای پیش‌گیری از پیامدهای سوء احتمالی، سفارش نموده که با ناز و عشوه‌گری و طنزهای سخن‌نگویند، در این باره می‌خوانیم: «فلا تخصعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قطن قولاً معروفاً: ۲۸» به گونه‌ای هوس‌انگیز با مردان نامحرم سخن‌نگوید تا بیماردلی در شما طمع نکند، و به گونه‌ای شایسته و معمولی سخن‌بگوید.»

گاه جنایت‌های بزرگ از یک شوخی نابجا و ارتباط ناروا بوجود می‌آید. پرونده‌های فراوانی در داخل کشور وجود دارد که یک عشوه‌گری یا طنزهای حرف‌زدن باعث ارتباط نامشروع و سرانجام قتل شوهر و یا قتل‌های دیگر شده است.

در حدیثی می‌خوانیم: «کسی که به حرام دستش را به دست زنی برساند چون به صحرائی محشر درآید، دستش بسته باشد؛ و کسی که با زنان نامحرم، خوش‌طبعی، شوخی و مزاح کند، خداوند در عوض هر کلمه، هزار سال او را در محشر حبس می‌کند، و اگر زنی راضی شود که مردی به حرام او را در آغوش بگیرد، بیوسد یا به حرام با او ملاقات نماید و یا با او خوش‌طبعی کند، بر او نیز گناهی همانند مرد است.»^{۲۹}

ازدواج یا بهترین راه پیشگیری

قرآن نه تنها ازدواج را ناپسند نمی‌داند، بلکه آن را عملی عبادی و مطلوب و در برخی موارد واجب شمرده است. بدون تردید اگر در جامعه‌ای زمینه ازدواج و تشکیل خانواده به صورت آسان به همانگونه که اسلام خواسته فراهم شود، گناهان برخاسته از غرائز جنسی ریشه‌کن خواهد شد و تنها کسانی به سمت جرایم جنسی و بی‌عفتی خواهند رفت که از سلامت روانی برخوردار نباشند.

قرآن کریم اصرار فراوان بر این مسئله مهم دارد و برخی دغدغه‌هایی را که ممکن است بر اثر ازدواج پیش‌آید

مردود شمرده است. به آیاتی در این زمینه اشاره می شود.

۱- ازدواج عامل آرامش: «و من ءایاته أن خلق لکم من أنفسکم أزوجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ۳۰. از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان به سود شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.»

۲- همه نیاز به ازدواج دارند: ازدواج مخصوص دنیازدگان نیست حتی انسان هایی که در بالاترین رتبه معنوی قرار دارند نیز بی نیاز از این نمی باشند. قرآن می فرماید: «و لقد أرسلنا رسلا من قبلک و جعلنا لهم أزوجا و ذریه ۳۱: براستی ما فرستادگانی را قبل از تو فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان را قرار دادیم.

۳- ازدواج و توسعه اقتصادی: برخی افراد فقر و نداری را بهانه برای عدم ازدواج می دانند قرآن این فرهنگ را غلط دانسته و با صراحت اعلام می دارد هرکس پا به عرصه ازدواج و خانواده گذارد خداوند وضع اقتصادی او را نیز دگرگون می کند: «و أنکحوا الأیمی منکم والصلحین من عبادکم و اما یکم ان یکونوا فقراء یعنهم الله من فضله والله واسع علیم: ۳۲ و مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزانی را که صلاحیت ازدواج دارند. و اگر نیازمند و فقیر باشند خداوند از فضلش آنان را بی نیاز خواهد ساخت و خداوند گشایش دهنده و داناست.»

۳- چند همسری: فرونی نسبی بانوان بر مردان به دلیل بی سرپرست شدن برخی خانواده ها بر اثر جنگ و حوادث ناگوار و... می طلبد که مرد گاهی تن به تعدد ازدواج دهد، وگرنه باعث به فساد کشیده شدن زنان بی همسر و بی سرپرست خواهد شد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدہ: ۳۳ پس ازدواج کنید با زنان پاک [در صورت نیاز] دو یا سه یا چهار همسر و اگر می ترسید عدالت را رعایت نکنید پس به یک همسر اکتفا کنید.

استاد مطهری درباره ازدواج می گوید: «به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در

حد حاجت طبیعی و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن.» ۳۴

۲۷۷۹

اسلام برای ارضای صحیح مسائل جنسی، ازدواج و در صورت مهیا نبودن شرایط آن، ازدواج مدت دار و موقت را توصیه نموده است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانواده برای کام یابی زن و شوهر از یکدیگر آمادگی کامل داشته باشد. زن یا مردی که از این نظر کوتاهی کند مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است. اسلام اصرار فراوانی به خرج داده است که محیط اجتماع بزرگ، محیط کار و عمل و فعالیت بوده از هر نوع کام یابی جنسی در آن محیط خودداری شود. فلسفه تحریم نظربازی و تمتعات جنسی از غیر همسر قانونی و هم چنین فلسفه تحریم خودآرایی و تبرج زن برای بیگانه همین است ۳۵.

در روایات نیز تعابیر زیبایی از ازدواج شده است که به یک نمونه اشاره می شود، تا روشن شود که ازدواج در پیشگیری از جرایم نقش موثر و کلیدی دارد.

حضرت صادق(ع) فرمود: «من تزوج احرز نصف دینه...» ۳۶ آن کس که ازدواج نمود نصف دین خویش را حفظ کرد پس از خدا بترسید در حفظ نصف دیگر آن.»

۴- ازدواج موقت: واقعیت این است که جوانان ما در زمان کنونی از سه جهت آماج مشکلات و گرفتاری ها می باشند: از طرفی ادامه تحصیلات تا سن بیست سالگی بلکه بالاتر امری است ضروری، و از سوی دیگر راه یافتن به بازار کار و آماده نمودن زمینه مالی ازدواج فرصت طولانی را می طلبد، و از جانب سوم گزینه جنسی در دنیایی پر از تهییج و تحریک و فیلم و سی دی و اختلاط و... همه را در فشاری طاقت فرسا قرار می دهند، بهترین راه حل در کوتاه مدت، ازدواج موقت است، قرآن درباره ازدواج موقت می فرماید: «و احل لکم ما وراء ذلکم ان تبتغوا بامولکم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضه! ۳۷ و برای شما حلال است که با اموال خود آنان را اختیار کنید، درحالی که پاکدامن باشید و از زنا خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید.»

اگر واقعاً آنچه را اسلام درمورد عقد موقت سفارش نموده به خوبی اجرا شود کسی دچار بی عفتی نخواهد شد. علی(ع) فرمود: «لولا ما سبقنی به ابن الخطاب؛ یعنی عمر ما زنی الا شقی؛ ۳۸ اگر خلیفه دوم سبقت نمی گرفت بر من [و ازدواج موقت را تحریم نمی کرد] هیچ کس مرتکب زنا نمی شد جز انسان شقی»

۲۷۸۹

البته در ازدواج موقت شرائط و نکات فراوانی لازم است مراعات شود، یکی از آن نکات این است که این امر بیشتر برای افراد مجرد و مردهای بی همسر مطرح است نه مردانی که همسر و یا همسران قانونی دارند.»

امام کاظم به برخی از شیعیان خود نوشت «اصرار بر ازدواج موقت نوزید، آنچه لازم است بر شما تنها اقامه سنت رسول خدا(ص) است، و به واسطه ازدواج موقت از همسران دائمی خویش غافل نشوید، که آنها را به کفران و بیزاری وادار کنید و آنها بر علیه کسی که به شما دستور داده نفرین کنند و ما را لعنت نمایند.»^{۳۹}

۲۷۸۱